

نقش دل‌بستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان)

حسن سجاذاده*

چکیده

دل‌بستگی به مکان، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیت‌ها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان است. این حس دل‌بستگی موجب تبدیل فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری خاص برای افراد می‌شود. میدان با ابعاد مختلف معنایی، کارکردی و کالبدی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفی فضاهای شهرهای امروز ایفا کند. در این میان، توجه به عوامل مؤثر در دل‌بستگی افراد به میدان‌های شهری می‌تواند نقش مؤثری در هویت و مطلوبیت میدان‌ها داشته باشد. با توجه به اهمیت دل‌بستگی به مکان در ارتقای کیفیت محیط، این تحقیق ضمن بررسی مفهوم دل‌بستگی و ابعاد آن، با تبیین شاخص‌های دل‌بستگی به مکان، نقش دل‌بستگی به مکان را در ایجاد مطلوبیت و هویت میدان‌های شهری بررسی می‌کند.

اساس این مقاله متکی بر یافته‌های تحقیقی در مورد آزمون دل‌بستگی به مکان در ارتباط با یکی از میدان‌های مهم واقع در مرکز شهر همدان، به نام میدان آرامگاه بوعلی‌سیناست. پژوهش مذکور با روش مطالعه نمونه موردی و مطالعات میدانی و مصاحبه‌های حضوری با شهروندان همدانی و بازدیدکنندگان از میدان مذکور و تحلیل آن با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی انجام شده است. تحقیقات ثابت می‌کند ارزیابی بسیاری از شاخص‌های دل‌بستگی به این میدان بالاست و همین امر ذهنیت افراد را بر روی هویت آن مؤثر می‌سازد. از این رو مقاله استدلال می‌کند بین دل‌بستگی به مکان و هویت آن، رابطه مستقیم وجود دارد که این امر می‌تواند در طراحی میدان‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. در بین عوامل مهم دل‌بستگی به میدان از جمله می‌توان به وجود آرامگاه بوعلی با معماری فاخر آن در مرکز میدان، امکان دسترسی مناسب به میدان، وجود عوامل و عناصر محیطی نظیر درختان و فضای سبز مناسب در میدان، فضاهای تجاری و روزمره اطراف میدان، جانمایی مناسب میدان به لحاظ موقعیت مرکزی در شهر، مناظر ذهنی و عینی مناسب میدان نام برد. نتایج این تحقیق می‌تواند راهبرد مناسبی برای طراحی میدان‌های شهری مطلوب در شهرهای معاصر فراهم کند.

واژگان کلیدی

دل‌بستگی به مکان، هویت مکانی، حس مکان، میدان آرامگاه همدان.

*. دکتری شهرسازی، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان. ۰۸۱۱۴۲۲۰۶۵۱
h.sajadzadeh@gmail.com

مقدمه

افراد نیز بوده و هدفمندی رفتاری را برقرار می‌سازد، لذا فرد با رفتارها و کنش‌های خود در فضا، سعی در توجه و مراقبت بیشتر از آن را خواهد داشت. دل‌بستگی به مکان مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضا است و به واسطه خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود (Altman & Low, 1992: 5). برقراری این تعامل عاطفی، موجبات پیوند انسان با فضا و معنا بخشی به فضا را فراهم می‌کند (Rubinstein & Parmelee, 1992: 139) و باعث علاقه بیشتر به مکان می‌شود (Bonaiuto, et al, 1999: 332). همچنین، دل‌بستگی به مکان با تأثیر و تأثر متقابل کنش‌ها، اعتقادات، احساسات و آگاهی با مکان مرتبط است (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983: 59).

هویت مکان و دل‌بستگی به آن

هویت مکان ابعادی از «خود» است که هویت فردی شخص را در ارتباط با مکان، براساس باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف، تمایلات رفتاری و مهارت‌های وی در رابطه با مکان به صورت آگاهانه و ناآگاهانه تبیین می‌کند. هویت مکان در عین آنکه وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماع‌پذیری اوست، انعکاس‌دهنده افراد و گروه‌هایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند (Proshansky, 1978: 155).

گذشته مکانی فرد به عنوان ابزاری در برآوردن نیازهای فرهنگی- اجتماعی، روان‌شناختی و فیزیولوژیکی فرد سهیم است (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983: 59). مکان از سه مؤلفه مرتبط به هم که بدان معنا و مفهوم خاص می‌بخشد تشکیل شده است. محیط فیزیکی، روان‌شناسی درونی افراد و فرآیندهای اجتماعی (Canter, 1977: 159). حس مکان وابسته به احساس و تصور افرادی است مکان را تجربه کرده‌اند و مربوط به نیاز هویت‌بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت برای افراد است (Relph, 1976). دل‌بستگی به مکان چیزی فراتر از تبعیت از مکان، بلکه منعکس‌کننده هویت افراد است (Ibid: 31). «آلتمن» معتقد است که، دل‌بستگی به مکان در نحوه ادراک هویتی فردی و جمعی تأثیرگذار بوده و مبتنی بر فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند (Altman & Low, 1992). حس مکان به توانایی مکان در برانگیختن احساسات انسانی به واسطه کیفیاتی بستگی دارد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند (Lynch, 1960) و هویت مکان تشکیل شده از تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد (Relph, 1976: 56). در عین حال، هویت مکان نوعی دل‌بستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و احساسات نیز هست که به زندگی فرد،

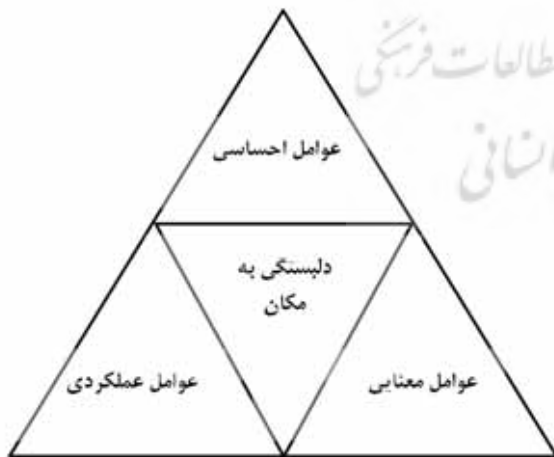
وجود فضاهای شهری بی‌انگیزه، کسالت‌آور، بی‌کیفیت، غیر انسانی و بی‌معنی که همچنان با لجاجت راه خویش را ادامه می‌دهد از مشخصه‌های شهرهای امروزی است. تأکید این مقاله بر مفهوم دل‌بستگی به مکان و اهمیت آن در تحقق هویت مکان است. امروزه به دلیل توسعه نامناسب، تضعیف حس مکان و دل‌بستگی به آن موجب تغییر در احساس و تصور مردم از مکان شده است. در اغلب موارد، تغییرات در محیط فیزیکی، نوع کاربری و فعالیت‌ها، موجب از بین رفتن ارزش‌ها و معناها شده است، مخصوصاً برای کسانی که مدت طولانی به یک محیط وابسته شده‌اند. از آنجایی که معنا و دل‌بستگی، از خواص مکان است، فقدان آن مکان، موجب ضعیف شدن حس مکان و هویت آن می‌شود. این مقاله، اهمیت دل‌بستگی به مکان در تعیین هویت مشخص و معنا بخشی به مکان را در درون یک فضای عمومی، فرهنگی و اجتماعی، تشریح می‌کند. جهت درک عوامل تأثیرگذار دل‌بستگی بر روی میدان‌های شهری، خواص و ویژگی‌های میدان‌های شهری به عنوان مکانی دارای مفاهیم حسی و معنایی، بررسی شده است. در این راستا، یکی از میدان‌های معاصر شهر همدان که دارای ویژگی‌های اجتماعی، کالبدی و فعالیت‌های باارزش بوده، انتخاب شد تا ضمن بررسی شاخص‌های دل‌بستگی به مکان و ارزیابی آنها، بتوان الگوی مناسبی را جهت روش‌های طراحی و ساماندهی میدان‌ها در شهرهای معاصر پیشنهاد داد. بنابراین بررسی عوامل تأثیرگذار بر دل‌بستگی و هویت‌بخشی به میدان‌های شهری که بتواند تبلور عینی حضور ساکنان خود را فراهم کند از اهداف این تحقیق است.

دل‌بستگی به مکان

در لغت‌نامه دهخدا از دل‌بستگی به معنای محبت، رغبت، دوستی، مودت، عشق و گرایش خاطر یاد می‌شود. دل‌بستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان‌هاست. امروزه مفهوم دل‌بستگی به مکان، نقش مهمی را در مطالعات روان‌شناسی محیط بازی می‌کند. دل‌بستگی به مکان، زنجیره‌ای میان افراد و محیط‌های معنادار است (Giuliani, Ferrara, & Barabotti, 2003; Altman & Low, 1992). تحقیقات نشان می‌دهد دل‌بستگی به مکان نقش مهمی را در انگیزه حضور و مراقبت از فضاهای عمومی نظیر میدان‌ها و پارک‌های شهری ایفاء می‌کند (Kyle, et al, 2004; Moore & Graefe, 1994; Williams, et al, 1995).

بسیاری از محققین معتقدند حس مکان، مفاهیمی چون هویت مکانی، دل‌بستگی به مکان، و وابستگی به مکان را نیز دربرمی‌گیرد (Jorgensen & Stedman, 2001). دل‌بستگی به یک مکان، ضمن آنکه منشعب از تجربه‌ها، رفتارها و سازمان اجتماعی و احساسی افراد است، محرک انگیزه‌های رفتاری

(Ibid). دل‌بستگی به مکان همان‌گونه که با طولانی‌شدن مدت سکونت و بازدید فرد در یک محل افزایش پیدا می‌کند، به تعامل فرد با دیگران در آن مکان نیز بستگی دارد (Relph, 1976: 33). نقش آیین‌ها، افسانه‌ها و سنت‌ها در ایجاد حس ماندگاری نسبت به مکان بسیار مهم است و از بین رفتن آیین‌ها باعث مردن مکان می‌شود (Ibid: 31). همچنین رلف "درون مکان بودن" را به معنی تعلق داشتن و به آن وابسته بودن می‌داند و اظهار می‌دارد هرچه حس درون بودن عمیق‌تر باشد، حس هویت با مکان نیز قوی‌تر خواهد بود (Ibid). جهانی‌شدن اقتصاد، تولیدات استاندارد و محیط‌های شهری عمومی، نقطه اتصال ضعیفی به چشم‌اندازهای بومی و محلی، اکوسیستم، تاریخ، فرهنگ و اقتصاد دارد و از جمله عوامل تضعیف حس مکان شده است (Wheeler, 2004). نتیجه این امر، روند توسعه فضاهای شهری کنونی است که به سمت کم‌رنگ‌شدن دل‌بستگی به مکان و تضعیف معنا و تنوع تجربیات فضایی رفته است. بنابراین دل‌بستگی به مکان ناشی از تعامل افراد با مکان، معانی و ویژگی‌های مرتبط محیطی است که فرد را راغب به ماندن در آن مکان می‌کند و به واسطه حس فضایی آن مکان میسر می‌شود. در این بین طراح نیاز به درکی روان‌شناسانه از تغییرات بافت مراکز شهری با تأثیرپذیری از فرهنگ‌های جهانی و فرم‌های ساخته شده دارد تا براساس آن بتواند ابعاد دل‌بستگی به مکان را در طرح‌ها و برنامه‌های خود لحاظ کند. براین اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم در دل‌بستگی به مکان را می‌توان به صورت نمودار ۱ نشان داد.



نمودار ۱. چارچوب مفهومی دل‌بستگی به مکان. مأخذ: نگارنده.

Diagram 1. Conceptual Framework of place attachment. Source: author.

عوامل معنایی

مفهوم دل‌بستگی به مکان در قلمرو تداعی معانی محیط تعریف می‌شود. معنا مربوط به جنبه‌های روان‌شناسی و ادراکی

هدف و معنا می‌بخشد (Willams & Vaske, 2003: 830). تحقیقات بر روی حس مکان اغلب بر روی سه ساختار دل‌بستگی به مکان، تبعیت از مکان و هویت مکان متمرکز شده است (Stedman, 2003). هرچند در مورد کارکرد عناصر کالبدی و فعالیت در بسط و توسعه هویت مکان فراوان بحث شده است، اما به نقش معنا و هویت در ساخت مکان‌هایی که دارای دل‌بستگی مکانی قوی است، به اندازه کافی توجه نشده است. برای ادراک مکان به عنوان یک فرایند تجربی، بررسی مفاهیمی که مردم را وابسته به یک محل یا موضع کرده و سعی در ایجاد حس مکان کند، بسیار پراهمیت است. «رلف» انواع هویت مکان را براساس تصورات از درون و برون مشخص می‌کند. درون مکان بودن، دل‌بستگی به مکان را قوی‌تر و عمیق‌تر منعکس می‌کند که به موجب آن معانی، ارزش‌های فرهنگی، تجربیات و کیفیات مرتبط مکان که در محیط منعکس شده و به صورت قوی‌تر در درون فرد هم موجود است، قابل فهم و درک بهتر و واضح‌تری است. ایجاد حس مکان یکی از اهداف اصلی طراحی شهری است. حس مکان نیز وابسته به احساس و تصور افرادی است که کاملاً مکان را تجربه کرده و مربوط به نیاز هویت‌بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت برای افراد است (Relph, 1976: 48).

شاخص‌های دل‌بستگی به مکان

برای بررسی ابعاد و شاخص‌های مختلف دل‌بستگی به مکان نظریات متنوعی وجود دارد. دل‌بستگی به مکان از مجموع ویژگی‌های محیطی و الگوهای ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از خصوصیات محیط فیزیکی و ارزیابی آنها توسط بهره‌برداران ایجاد می‌شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است (Riley, 1992). بر این اساس دل‌بستگی به مکان با ویژگی‌های اجتماعی و فردی مخاطبان، میزان ارتباطات افراد در مکان و میزان مشارکت در مراسم جمعی ارتباط مستقیم دارد (Brown & Werner, 1985: 535). به این ترتیب، حضور افرادی با خصوصیات مشابه نظیر طبقه اجتماعی، قوم، مذهب، طبقه اقتصادی، سبک زندگی، درآمد مالی و تحصیلات در تداوم زمانی حضور فرد در مکان نقش بسزایی دارد. این احساس مثبت از تعاملات و ارتباطات اجتماعی، دل بریدن از مکان مورد نظر را سخت می‌کند (Fried, 1963). دل‌بستگی به مکان زمانی عمیق می‌شود که مکان به طور کامل توسط استفاده‌کنندگان احساس شده و قادر باشد نیازهای عملکردی استفاده‌کنندگان را برطرف کند، همچنین متناسب با اهداف رفتاری استفاده‌کنندگان طراحی شده باشد (Williams, 1995: 85).

دل‌بستگی به یک محیط خاص متأثر از کیفیات و ویژگی‌های مکان است. ویژگی‌های هر مکان نیز نمودار پتانسیل‌ها و خصوصیات منحصر به فرد آن مکان است

و توزیع یکسان جنسیت در آنها به لحاظ زن و مرد، کاملاً رعایت شد. متوسط دوره سکونت در همدان بین ۱۰ تا ۳۰ سال انتخاب شد که اکثراً آشنایی کامل با میدان داشتند.

آشنایی با نمونه مورد مطالعه

وجود دانشمندان، هنرمندان، شاعران، فیلسوفان و همچنین مناظر طبیعی زیبا، ابنیه و یادمان‌های متنوع تاریخی و فاخر از سلسله‌ها و دوره‌های مختلف تاریخی از نشانه‌های مهم شهر همدان به شمار می‌رود که به واسطه آن همدان به شهرتی جهانی دست یافته و نظیر آن را در کمتر شهری می‌توان دید. از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به ابوعلی‌سینا، باباطاهر، عین‌القضات و از آثار و یادمان‌های زیبای تاریخی می‌توان از جمله به مجسمه شیرسنگی، تپه هگمتانه، مجموعه گنجنامه، بازار همدان، آرامگاه بوعلی، آرامگاه باباطاهر، گنبد علویان، بقعه استرمردخای، برج قربان و مسجد جامع اشاره کرد. با مرمت بناهای آرامگاهی که در دوره پهلوی دوم توسط انجمن مفاخر ایران صورت گرفت، پیشنهادی زیبا و متأثر از هویت ایرانی-اسلامی، برای میدان آرامگاه بوعلی، طراحی و اجرا شد (تصویر ۱). میدان آرامگاه با داشتن یک اثر معماری هویت‌دار متأثر از معماری ایرانی در وسط میدان که هم محل آرامگاه بوعلی‌سینا و هم موزه بوعلی را در بر



تصاویر ۱. دیدهای متنوع از فضا و ساختار میدان آرامگاه، مأخذ: سازمان اسناد ملی همدان.

Fig. 1. Different views from space and structure of Avicenna's Square. Source: National documents of Hamedan.

تجربه محیطی است و در این محدوده دل‌بستگی به مکان به عنوان نقطه اتصال فرد و محیط تعریف می‌شود (Hernandez, 2001: 121). مطالعات «استدمن» نشان می‌دهد که معانی نمادین مکان نقش مهمی در دل‌بستگی به مکان ایجاد می‌کند (Stedman, 2003: 682)، از آنجا که برقراری تعاملات اجتماعی، امکان معنابخشی مکان را برای فرد فراهم می‌کند لذا اهمیت ارتباطات اجتماعی در مکان، نیابستی مورد غفلت واقع شود.

عوامل عملکردی

این بعد که به برآوردن نیازها و اهداف فردی (Williams & Roggenbuck, 1989; Stokols & Shumaker, 1981)، مبتنی بر کیفیت مکان در پاسخگویی به نیازهای کاربران در مقایسه با سایر مکان‌های مشابه موجود اشاره دارد وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوهای فعالیتی موجود در آن است (Willams & Vaske, 2003: 18).

عوامل احساسی

یکی از ویژگی‌های اصلی دل‌بستگی به مکان، روابط احساسی نزدیک با مکان است. به این ترتیب دل‌بستگی به مکان پیوندی مؤثر و ماندگار را با مکان‌هایی که مردم از آن استفاده می‌کنند برقرار کرده و در آنجاست که آنها احساس آسایش و آرامش بیشتری دارند (Hernandez, 2001: 121).

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و روش پیمایشی، توصیفی و مشاهده‌ای است. در بخش مطالعات اسنادی با مرور مستندات مهم و برجسته در ارتباط با مفهوم مکان، هویت آن و دل‌بستگی به آن، سعی در استخراج چارچوب نظری مناسبی برای متدلوژی تحقیق شده است. به این ترتیب، در زمینه بیان رویکردی تحلیلی و استنتاجی، ابتدا به مفهوم دل‌بستگی به مکان و رابطه آن با هویت مکانی می‌پردازد و سپس با استناد به مطالعات روان‌شناسی محیط، ابعاد دل‌بستگی به مکان تشریح می‌شود و در نهایت با استخراج شاخص‌های دل‌بستگی به مکان و با روش پیمایشی و مشاهده‌ای و استفاده از تحلیل‌های آماری به ارزیابی آن در نمونه موردی می‌پردازیم. جهت بالابردن ضریب واقعیت و اعتبار تحقیق مورد نظر، سعی فراوانی در انتخاب مناسب جامعه آماری، گروه‌های سنی، شغلی، اجتماعی، جنسی، مدت سکونت، زمان پرسش و ... شد. بدین منظور ۲۰۰ پرسشنامه با ۲۰ سؤال متنوع طرح شد که مجموع اهداف تحقیق را تأمین کند. پرسش‌شوندگان از ساکنان شهر همدان و با ویژگی‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی، شغلی، سنی و جنسی انتخاب شدند. پاسخ‌دهندگان از متوسط سنی بین ۳۰ تا ۷۰ سال انتخاب شدند

مثبت، حس عاطفی، دوست داشتن، حس مباهات، علاقه، افتخار و حساسیت مورد سنجش قرار گرفت. در ارتباط با شاخص‌های عملکردی و فعالیتی نیز مؤلفه‌هایی چون وابستگی، رضایت‌مندی، راحتی، دسترسی، تنوع فعالیت‌ها و رفع نیازهای روزانه ارزیابی شد. در ارتباط با شاخص‌های معنایی نیز مؤلفه‌هایی نظیر ارتباطات هویتی و فرهنگی میدان با زمینه خود، تناسب کالبدی و فرهنگی، مکانی برای تعاملات و آشنایی افراد، ایجاد خاطره‌ها مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۱).

داشته، به همراه فضاهای سبز و نسبتاً وسیعی که اطراف آن را دربر گرفته، مجموعاً فضای مناسبی را در جذابیت میدان و تمایل افراد به حضور در میدان فراهم کرده است. این میدان که در نقطه تلاقی محورهای مهم شهری قرار دارد، دارای عملکردهای متنوع تجاری و فرهنگی در اطراف خود نیز هست. هم‌اکنون خیابان منشعب از میدان امام به سمت آرامگاه بوعلی مهم‌ترین و شلوغ‌ترین خیابان شهر بوده که نقشی خاص در تنوع فعالیتی و دسترسی در شهر بازی می‌کند.

یافته‌ها

با بررسی و تحلیل داده‌ها میزان فراوانی نسبی، مطلق و نمودارهای میله‌ای، میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌های شاخص‌های سه‌گانه در دلبستگی به مکان، طبقه‌بندی و ارزیابی شد. متغیرهای دلبستگی به مکان و تأثیر آن در هویت‌بخشی به میدان در سه دسته کلی: «احساسی»، «عملکردی» و «معنایی» بررسی شده است (جدول ۲). ضرایب معناداری مؤلفه‌های شاخص‌های سه‌گانه بر روی دلبستگی به مکان نشان می‌دهد میدان مورد نظر، انعکاسی از تداوم و تنوع هویت فرهنگی مردم همدان است. سازمان و ساختار کالبدی و همچنین فعالیت‌ها بر روی تصور افراد از مکان

ارزیابی شاخص‌های دلبستگی در نمونه مورد مطالعه

به منظور ارزیابی تأثیر دلبستگی به مکان در ایجاد فضای باهویت از منظر استفاده‌کنندگان، پرسش‌ها در قالب سه شاخص احساسی، عملکردی و معنایی طراحی شد و براساس آن، آزمون‌های مورد نظر به عمل آمد. ابتدا با روش‌های آماری، میزان تبیین متغیرها توسط مؤلفه‌های آنها مشخص و برخی از مؤلفه‌هایی که ضریب معناداری پائینی داشتند، حذف شد. تمایل به تکرار بازدید و استفاده از میدان مورد مطالعه عمدتاً به واسطه ویژگی‌های عملکردی- کالبدی، احساسی و معنایی در نظر گرفته شده است. در ارتباط با شاخص‌های احساسی، عواملی چون حس

جدول ۱. ارزیابی شاخص‌های احساسی، عملکردی- کالبدی و معنایی دلبستگی به مکان در میدان آرامگاه بوعلی همدان. مأخذ: نگارنده.

Table 1. Evaluation of emotional, functional – physical and semantic Indicators of place attachment in the Avicenna’s Tomb Square, Hamedan. Source: author.

معنایی (فرهنگ، اعتقاد، سنت، آشنایی، تعامل، زندگی، ملاقات و ...)	عملکردی (راحتی و -)	احساسی (حس مثبت، توجه عاطفی، وفاداری، افتخار، علاقه و ...)
تناسبات فرهنگی افراد در میدان	قادر به توصیف میدان	حس مباهات نسبت به میدان
آشنا کردن افراد با هم‌دیگر	تصور فضایی بالا نسبت به میدان	حس مثبت نسبت به محیط میدان
ملاقات‌های ویژه افراد	قادر به توصیف تحولات کالبدی	تحایل به ماندن بیشتر در میدان
تناسبات اخلاقی و اعتقادی افراد	تصورات عملکردی و کالبدی میدان	خوگرفتن و نداشت کردن به میدان
حفظ حریم‌های اخلاقی افراد	مناسب بودن میدان برای استراحت	احساس خوب در ماندن در میدان
نمادهای کالبدی و فرهنگی	مناسب برای رفع نیازهای روزانه	حساس بودن نسبت به تغییر فضاها
وجود عوامل خاطره‌انگیز در میدان		علاقه به گپ و گفت در میدان

جدول ۲. میزان دلبستگی‌های احساسی، عملکردی و معنایی، در میدان آرامگاه بوعلی همدان، مأخذ: نگارنده.

Table 2. Level of emotional, functional – physical and semantic attachments in the Avicenna’s Tomb Square, Hamedan. Source: author.

میزان دلبستگی‌های معنایی	میزان دلبستگی‌های عملکردی	میزان دلبستگی‌های احساسی
۱- میدان بهترین مکان برای استراحت	۱- بهترین میدان برای فعالیت و خرید است	۱- نسبت به میدان بسیار علاقه دارم
۲- میدان مناسب هویت ایرانی	۲- در این میدان بیشتر آسایش و راحتی وجود دارد	۲- میدان برای من پرخاطره است
۳- میدان مناسب با زمینه‌های فرهنگی	۳- دسترسی به میدان مناسب است	۳- احساس مباهات نسبت به میدان دارم
۴- مناسب برای آشنایی افراد با یکدیگر	۴- این میدان برای من خیلی پراهمیت است	۴- بیشترین بازدید را در این میدان دارم
۵- مکان ملاقات و تعامل افراد		۵- احساس لذت ماندن در میدان دارم
		۶- در این میدان احساس آرامش و امنیت دارم

بازدیدکنندگان را در خود تحقق می‌بخشد و در تضاد با طراحی میدان‌های امروزی است که تنها در راستای برطرف کردن مشکلات ترافیکی طراحی شده‌اند. احساس دل‌بستگی به مکان به طور مؤثر و قوی با احساس مثبت و رضایت‌مندی از مکان نسبت داشته، طوری که شهروندان و بازدیدکنندگان، میدان را به عنوان مکانی پر مفهوم و لذت‌بخش برای خود تصور می‌کردند و آرامش و حس امنیت، تأثیر بسزایی در ایجاد رضایت‌مندی شهروندان نسبت به میدان دارد. دارابودن فضای سبز کافی و درختان کهنسال زیبا، فعالیت‌های تجاری و فرهنگی اطراف میدان و ... موجبات ارتقای تعاملات و دل‌بستگی‌های مکانی را فراهم کرده است، طوری که میدان از حالت یک مکان گذار صرف، خارج شده و عامل وصل، اتحاد و دل‌بستگی ساکنان، بازدیدکنندگان و شهروندان به میدان شده است. براساس داده‌های جدول ۴، بین دسترسی مناسب، تنوع عملکردی فضا، امکان نشستن و فضایی برای خرید در میدان همبستگی معناداری وجود دارد ($P < 0.3$).

جدول ۳. رابطه بین دل‌بستگی به میدان با عوامل احساسی شامل حس مباهات، حس آرامش و حس لذت در میدان، مأخذ: نگارنده.
Table 3. The relation between square attachment and emotional factors such as; Sense of honor, tranquility and pleasure. Source: author.

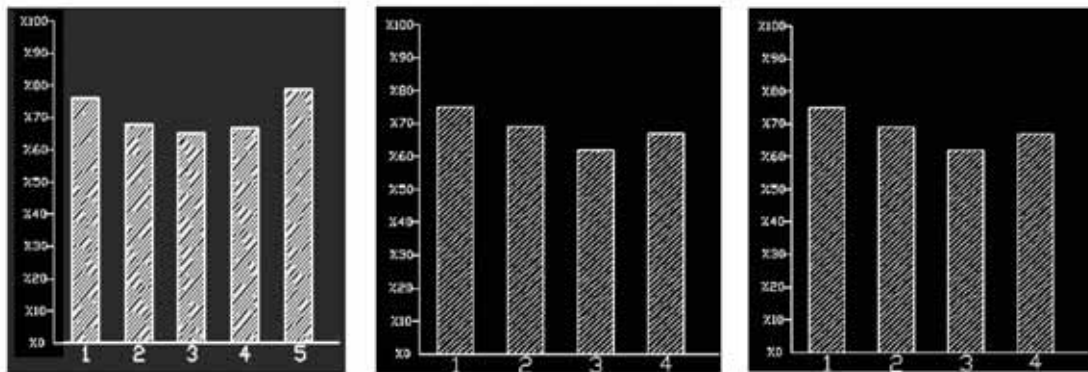
دقت معناداری	دل‌بستگی احساسی
.۰۲۸	حس مباهات
.۰۶۲	حس آرامش در میدان
.۰۹۲	حس لذت از ماندن در میدان

تأثیرگذار است. در حالی که خلق مفاهیم احساسی و اجتماعی موجب هویت و تداوم مکان است، روابط اجتماعی و فرهنگی، حافظه تاریخی افراد و تجربیات شخصی، موجب تقویت دل‌بستگی احساسی و تعلق به مکان می‌شود (نمودار ۲).
به این ترتیب متغیرهای دل‌بستگی به میدان در سه دسته کلی عوامل احساسی، عوامل عملکردی- فضایی و عوامل معنایی بررسی شد.

تأثیر ویژگی‌های احساسی کاربران بر دل‌بستگی به میدان
یافته‌های مطالعاتی نشان داد رابطه نزدیکی میان تمایزات مکان‌ها و دل‌بستگی‌های احساسی در میدان وجود دارد؛ فضای سبز و درختان کهنسال، و سازمان و هندسه میدان از جمله عوامل تمایز این میدان با دیگر میدانی شهر است که منجر به دل‌بستگی به آن شده است. دل‌بستگی احساسی به معنای قابلیت تبدیل مکان به محیطی متناسب با شرایط روحی افراد برای فعالیت و یا زندگی است.

عواملی که پرسش‌شوندگان، بازدیدکنندگان و ساکنان در ارتباط با دل‌بستگی احساسی به میدان بیان کردند، بیشتر شامل احساسات و عواطف نسبت به میدان، حس مباهات و تفاخر و حس تعلق نسبت به میدان بود و میزان این عوامل در دل‌بستگی به مکان با طول دوره اقامت و بازدید از مکان رابطه مستقیمی داراست. به عبارت دیگر، افرادی که مدت طولانی‌تری در میدان ساکن بوده یا فعالیت داریم در میدان داشتند، به دلیل آشنایی بیشتر با میدان، دل‌بستگی احساسی بیشتری نسبت به میدان داشتند. بر اساس داده‌های جدول ۳، بین حس مباهات نسبت به میدان و حس آرامش موجود در میدان و همچنین حس لذت ماندن در میدان همبستگی معناداری وجود دارد ($P < 0.3$).

تأثیر ویژگی‌های عملکردی و فضایی بر دل‌بستگی به میدان
میدان با داشتن کیفیت فضایی و عملکردی متنوع، استمرار



نمودار ۲. نمودار میله‌ای دل‌بستگی‌های احساسی، عملکردی- عملکردی و معنایی مطابق جدول ۲ در میدان آرامگاه بوعلی سینا، همدان. مأخذ: نگارنده.
Diagram 2. Bar Graph of Emotional, Functional – Physical and semantic attachments According to Table 2 in the Avicenna’s Tomb Square, Hamedan. Source: author.

جدول ۵. رابطه بین دل‌بستگی به میدان و ویژگی‌های معنایی شامل هویت کالبدی،

آشنایی افراد، امکان ملاقات، مأخذ: نگارنده.

Table 5. The relation between square attachment and semantic characteristics such as; physical identity, familiar persons and the opportunity to meet Source: author.

دقت معناداری	دل‌بستگی معنایی
.۵۱	هویت کالبدی
.۱۶۵	آشنایی افراد
.۲۸	امکان ملاقات

فراهم کرده است. بنابراین عوامل معنایی نظیر نمادها، نشانه‌ها، سمبل‌ها، ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی موجود در میدان، نقش بسزایی در افزایش میزان دل‌بستگی به میدان بازی می‌کند. ماهیت این میدان شهری شامل رشته‌ای از حوادث و رویدادهای اجتماعی، مردم، فرهنگ بومی، خاطرات و حافظه تجربیات گذشته، تاریخ مکان، عناصر و سازمان کالبدی است. براساس داده‌های جدول ۵، بین هویت کالبدی، آشنایی افراد و امکان ملاقات در میدان همبستگی معناداری وجود دارد (P-value<0.3).

رابطه بین ابعاد مختلف دل‌بستگی به مکان در میدان آرامگاه
نکته قابل طرح دیگر آن است که طبق آمارهای استنتاجی و بررسی روابط بین شاخص‌ها و مؤلفه‌های دل‌بستگی به میدان آرامگاه و مطابق ضریب همبستگی اسپیرمن و ضریب آلفا ۰/۰، رابطه معناداری بین دل‌بستگی احساسی، معنایی و عملکردی وجود دارد و عوامل و شاخص‌های دل‌بستگی بر روی یکدیگر تأثیر مستقیم می‌گذارند. با ملاحظه جداول همبستگی اسپیرمن نتایجی مطابق نمودار ۳ به دست می‌آید.

نمودار ۳. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی روابط بین دل‌بستگی‌های احساسی، معنایی و عملکردی در میدان آرامگاه. مأخذ: نگارنده.

Diagram 3. Spearman correlation test for examining the relation between emotional, semantic and functional attachments in the Avicenna's Tomb Square, Hamedan. Source: author.

جدول ۴. رابطه بین دل‌بستگی به میدان با عوامل عملکردی شامل دسترسی، تنوع،

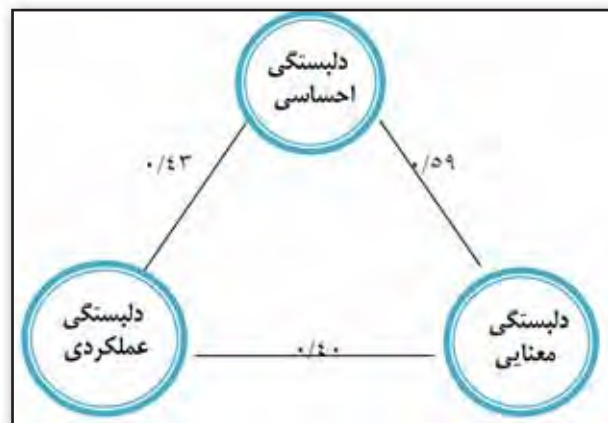
امکان نشستن و خرید، مأخذ: نگارنده.

Table 4. The relation between square attachment and functional factors such as; accessibility, diversity and possibility to sit and shopping Source: author.

دقت معناداری	دل‌بستگی عملکردی و فضایی
.۴۳	دسترسی مناسب
.۱۴۴	عملکردهای متنوع
.۶۴	امکان مکث و نشستن
.۱۸۵	فضای خرید

تأثیر ویژگی‌های معنایی بر دل‌بستگی به میدان

فضای میدان به عنوان فضایی معنادار جهت ملاقات افراد از جمله ویژگی‌های مؤثر در دل‌بستگی به میدان است و نتایج تحقیقات میدانی در نمودار ۱ نشان می‌دهد گزینه "مکان‌های ملاقات برای افراد" بالاترین نمره را دارد که مؤید مطلب فوق است. وجود آرامگاه زیبایی بوعلی با معماری فاخر ایرانی هویت‌دار، ویژگی مقیاس انسانی میدان با درجه محصوریت مناسب، نقش عناصری مانند موزه آرامگاه، مرکز فرهنگی و فضاهای تجاری که زمینه دیدار و ملاقات روزانه را بین شهروندان تأمین می‌کند، جملگی نقش مؤثری در افزایش دل‌بستگی به مکان در میدان داشته است. آشنایی مکانی افراد با میدان آرامگاه، به دلیل ملاقات‌های مکرر فضاها و دریافت‌های ذهنی هر روزه از آن است و تجربه مکرر مکان، لازمه ایجاد دل‌بستگی و مفهوم‌سازی شخصی و گروهی از میدان است. وجود بنای آرامگاه بوعلی، نه تنها به عنوان یک یادمان شهری زیبا و باهویت، نقش شاخصی را در شهر بازی کرده، بلکه به همراه فضای سبز اطراف خود، عامل مهمی در جذب افراد و ایجاد دعوت‌کنندگی به این میدان است که در نهایت دل‌بستگی خاصی را برای اهالی شهر



نتیجه گیری

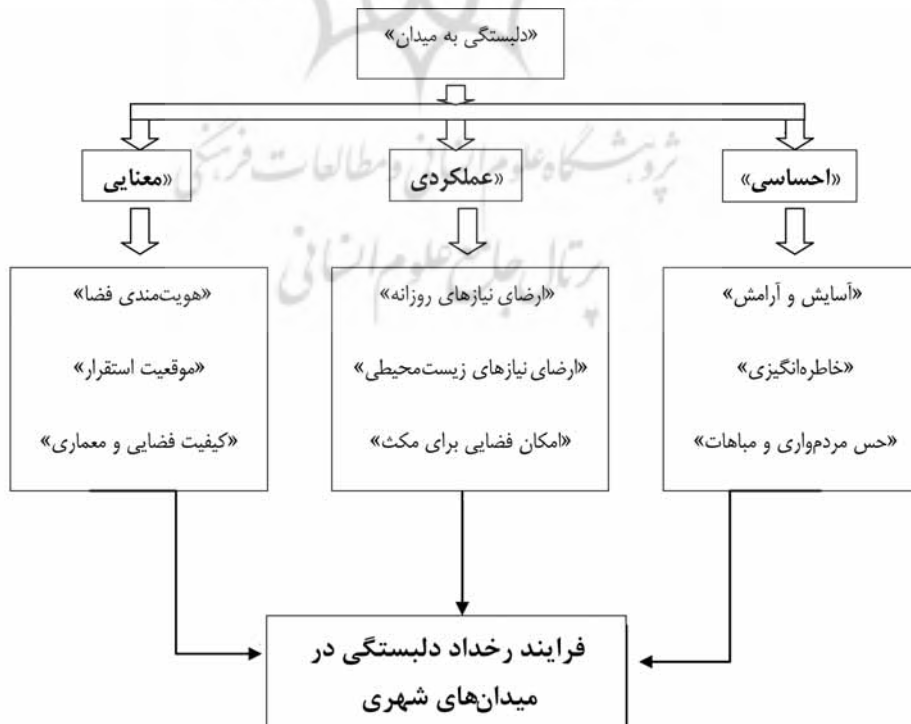
تحقیق حاضر نشان داد، ضمن آنکه مؤلفه های "احساسی"، "عملکردی" و "معنایی" در ایجاد دل بستگی به میدان و در نهایت هویت مندی میدان های شهری، نقش مؤثری ایفاء کرده، در عین حال رابطه ای مستقیم بین مؤلفه های مذکور نیز وجود دارد. در ارتباط با مؤلفه های احساسی و نقش آن در دل بستگی به میدان های شهری می توان گفت، حس "آسایش" و "آرامش" و "تداعی خاطرات فردی و جمعی" به واسطه حضور در فضا، نقش مؤثری را در دل بستگی و در نهایت هویت مند شدن چنین فضاهایی داراست. همچنین "حس مردم واری" میدان که ناشی از عوامل مختلفی نظیر حضور اقشار مختلف جامعه و تعاملات آنها در فضاست، موجبات ارتقاء تصور ذهنی شهروندان نسبت به میدان می شود.

در مورد ویژگی های عملکردی و فعالیتی در میدان و تأثیر آن در ارتقای دل بستگی به میدان های شهری، می توان گفت برآورده کردن توقعات و انتظارات افراد از فعالیت های موجود در میدان های شهری و ارضای نیازهای فیزیولوژیکی، حیاتی و اقتصادی شهروندان از عوامل مهم در دل بستگی است.

همچنین در مورد دل بستگی معنایی نیز می توان گفت، رخداد معانی و مفاهیم در فضای میدان وابسته به تجربیات شخصی و گروهی افراد است. این امر به شدت متأثر از تکرار بازدید و حضور مکرر افراد در میدان، تعامل اجتماعی افراد با همدیگر، حس تفاخر به مکان (هویت مکان)، موقعیت استقرار میدان و ویژگی های فضایی و معماری میدان است.

به این ترتیب می توان مؤلفه ها و شاخص های کلی در ارتباط با دل بستگی به میدان های شهری را به صورت نمودار ۴ بیان کرد.

نمودار ۴. عوامل و مؤلفه های مؤثر در فرایند رخداد دل بستگی در میدان های شهری، مأخذ: نگارنده.
Diagram 4. Effective factors and components in process of the attachment occurrence in urban Squares. Source: author.



Reference List

- Altman, I., & Low, S. (1992). *Place attachment*. New York: Plenum Press.
- Brown, B. B. & Werner, C.M. (1985). *Social Cohesiveness, Territoriality and Holiday Decorations*; Available from: <http://eab.sagepub.com/content/17/5/539>.
- Bonaiuto, M., et al. (1999). Multidimensional Environment quality and neighbourhood attachment. *Urban Environment*, (19): 331-352.
- Canter, D. (1977). *The Psychology of place*. London: The Architectural Press Ltd.
- Fried, M. (1963). Grieving for a lost home. In L. j. Duhl(Ed), *The urban condition: People and policy in the Metropolis*. New York: Simon and Schuster.
- Giuliani, M., Ferrara, F., & Barabotti, S. (2003). *One attachment or more?* Ashland. OH: Hogrefe & Huber.
- Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology*, (18): 5-29.
- Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). Sense of place as an attitude: lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental psychology*, (21): 233–248.
- Kyle, G., et al. (2004). Effects of place attachment on users. perceptions of social and environment conditions in a natural setting. *Journal of environment psychology*, (24): 213-225.
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Moore, R. L., & Graefe, A. R. (1994). Attachments to recreation settings. *Leisure Sciences*, (16): 17–31.
- Proshansky, H.M., Fabian, A.K. & Kaminoff, R. (1983). Place –Identity: physical world socialization of the self. *Journal of Environment psychology*, (3): 57-83.
- Proshansky, H.M. (1978). The City and Self –Identity. *Environment and Behavior*, 10 (2): 147-169.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: pionnt.
- Riley, R. (1992). Attachment to the Ordinary Landscape. In *Place Attachment*. Edited by Altman, I. & Low, S. M. , New York: Plenum Press.
- Rubinstein, R.L. & Parmelee, P.A. (1992). Attachment to place and representation of the life course by the elderly. In *Place Attachment*. Edited by Altman, I. & Low, S. M. , New York: Plenum Press.
- Stokols, D., & Shumaker, S. A. (1981). *People in places: A transactional view of settings*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction? The construction of the physical environment to sense of place. *Society & Natural Resources*, 16(8): 671-685
- Wheeler, S. (2004). *Planning for sus tainability: Creating Livable. equitable and ecological communities*. Cambridge : The MIT Press
- Williams, D. R., et al. (1995). *Measuring Place attachment: More Preliminary results*. Paper presented at the 1995 Leisure Research Symposium, NRPA Congress, San Antonio.
- Williams, D.R., & Roggenbuck, j.w. (1989). Measuring place attachment: Some preliminary results, In LH. *McAvoy* and Edited by Howard, D. Leisure Research Symposium, National Recreation and Park Association, Arlington, 32.
- Williams, D.R., & Vaske, J.J. (2003).The measurement of Place Attachment: validity and generalizability of a psychometric approach. *forest Science*, 49 (6): 830-840.

Role of Place Attachment in Making Identity for Urban Squares (A Case Study: Avicenna Square, Hamedan)

Hassan sajjadzadeh*

Abstract

Place attachment is an intersection point between physical, activity, and subjective components in space and it changes the space to the place by specific sensory and behavioral characteristics of people. Urban squares with different semantic, functional and physical dimensions perform an important role in improving the quality of urban spaces. It should be taken into consideration that effective attachment factors in urban squares can play a great role in the desirability of contemporary squares. Due to the importance of attachment to the place for enhancing the quality of the environment, the present research has assessed the role of place attachment in creating desirable urban squares. To the same effect, urban designers with proper understanding of the changes in urban fabrics must take “place attachment dimensions” into account when drawing urban plans. This article is based on research findings about place attachment test in relation to one of the important squares in central Hamedan named Avicenna square. A Persian architectural monument that includes Avicenna’s tomb, Bu-Ali Museum and its periphery landscape areas have made Avicenna square a suitable space that attracts people. This square is mostly characterized by a series of social events, the people of Hamedan, the native culture, the memories of previous experiences, the history of the place and its physical organization. The present research uses analytical and deductive approach. At first, it deals with the concept of place attachment and its relation with place identity. Afterwards and based on conceptual framework, it describes place attachment dimensions. In this regard, place attachment indicators have been extracted and then a case study has been carried out using various surveying methods, observation and statistical analysis. To secure an efficient mechanism for collection of data, 200 questionnaires with 20 variety questions in each were designed. With the statistical methods, the level of each variable was determined by their components. The research outputs in Avicenna’s tomb square proved that attachment indicators which were assessed in this square are in the top levels. Accordingly, it was proved that the square identity and the related people imagination of this structure have been influenced by it. On this basis, attachment to Avicenna’s tomb square is derived from experiences, behaviors, feeling and social organization of people. The respondents indicated numerous factors involved in the place attachment feeling. They included feelings and emotions towards the square, sense of honor and pride and sense of belonging. The levels of these factors in place attachment had a direct relation to the period of stay and visiting the place. It can be said about the functional and spatial factors of Avicenna square that citizens and visitors, have imagined square as a meaningful and enjoyable place where they had a sense of security and calm. These accordingly had a great impact on creating satisfaction between citizens. Furthermore, with regards to the semantic factors of Avicenna’s tomb square factors such as present signs, symbols, as well as its social and cultural structures play an important role in improving the level of attachment to this square. This paper has argued that there is a direct relationship between place attachment and place identity. Therefore, among the main factors of attachment to Avicenna’s square; Avicenna’s tomb with its artistic architecture in the center of square, convenient access to the square, suitable environment elements such as trees and green spaces, commercial and daily spaces around the square, perfect location of the square in the center of the city, appropriate objective and subjective views of the square are more important than others. Thus, it can be concluded that the physical structure and certain activities associated with the structure influence people’s imagination of place. Creating emotional and social concepts have contributed to identity and place continuity, while the social and cultural relations, people’s historical memory and their personal experiences have contributed to enhancing emotional attachment to the place. By generalizing the results of this research in relation to emotional components and its role in urban squares, it can be said that for a place attachment to exist, it is necessary for the public to have a sense of comfort and calmness as well as individual and collective memories. It can also be said about the functional characteristics in squares and their impacts on improving attachments to urban squares that their present activities and their physiological, vital and economic requirements are the main factors in developing attachment to the place. Also with regards to the semantic attachment, the results were argued that occurrence of semantics and concepts in the urban squares depend on personal and collective experiences of people. This point strongly have been influenced by frequent visits to the square, checking people’s social interaction with each other, evaluating the sense of pride to the place (place identity), examining the position of the square and its spatial and architectural features. Results of this research can provide appropriate strategy for an ideal square designing in contemporary cities.

Keywords

Place attachment, Place identity, Sense of place, Functional factors, Semantic factors, Hamedan Avicenna’s tomb square.

.....
* . Ph. D in Urbanism. Assistant professor in University of Hamedan Bu- AliSina, Faculty of Art and Architecture, Hamedan, Iran.
H.sajadzadeh@gmail.com